

منبر

و

تقدیرت

وعاظ و مبلغان به عنوان جانشین رسانه های گروهی در ایران عصر مشروطیت

اصغر فتحی
ترجمه: جعفر خیر خواهان

پژوهشگرانی که در زمینه ارتباطات و توسعه سیاسی کار کرده اند، جریان ارتباطات رسانه های گروهی در جوامع مدرن را یک نظام مشخص و کاملاً سازمان یافته می دانند که از سوی پیام رسانان حرفه ای عمل می کنند. در حالی که جریان ارتباطات در جوامع سنتی دارای نظام مشخصی نیست، نظم و ترتیب لازم ندارد، آن ها را گروهی از پیام رسانان حرفه ای اداره نمی کنند و کاملاً متکی به ارتباط رودررو و چهره به چهره است.

جریان ارتباطات در جوامع در حال گذار نیز به صورت دو بخش توصیف می شود که بخشی از آن مانند یک نظام مدرن عمل می کند و بقیه آن به شکل سنتی باقی می ماند.

این مقاله تلاش می کند تا ماهیت نهادی شیوه های معینی از ارتباطات گروهی را در برخی جوامع ماقبل صنعتی، نشان دهد. به طور مشخص تر در فاصله سال های ۱۲۸۴ تا ۱۲۸۸ در ایران رشته ای از اعتراض ها علیه فساد در باره

سوء مدیریت در اداره کشور و نفوذ خارجیان پدید آمد. در این دوره که به حکومت مشروطه منجر شد، نقش و عواظ و مبلغان به عنوان پیام رسانان نهضت اهمیت بسیار فراوانی پیدا کرد. آگاهی دادن، بسیج کردن و هدایت مردمان بی سواد یک بخش تفکیک ناپذیر از نهضت بود. سلطنت طلبان که مخالف نهضت مشروطه بودند نیز از مسجد و منبر برای ترویج و تبلیغ مقاصد و نیات خود، بهره فراوان بردند.

نقش محدود مطبوعات

تعماس با غرب نقش مهمی در بیداری رهبران مشروطه ایفا کرد. نظریه های مربوط به حق حاکمیت مردم و برابری در برابر قانون از غرب آمده بود. مسافران به اروپا و روزنامه های فارسی زبانی که در

خارج منتشر می شدند در ایجاد اشتیاق برای تحول جامعه، اهمیت فراوانی داشتند. اما یک عده روشنفکر و اصلاح طلب بدون کسب حمایت مردمی که از وضعیت فلاکت بار خود بی خبر بودند، راه به جایی نمی بردند.

پس از آن که لزوم بیدار کردن قشرهای جامعه احساس شد چند نویسنده و روزنامه نگار سعی کردند تا شیوه نگارش فنی و دشوار را که نیاز به سواد بالا داشت، نگارش را به یک نثر ساده با کلماتی بسیار نزدیک به زبان محاوره ای مردم عادی تبدیل کنند. اما این کار به هیچ وجه کافی نبود. مردم عادی به مطالعه مطبوعات عادت نداشتند و سانسور شدیدی حکومت خودکامه اجازه انتشار آزاد مطبوعات را نمی داد. به علاوه اکثر مردم قادر به خواندن نبودند.

برای اصلاح وضعیت، روشنفکران آزادی خواه دست یاری به سوی واعظان و خطیبانی دراز کردند که در برخی موارد، آنان نیز آزادی خواه و طرفدار اصلاحات آمده از غرب بودند. این وعاظ افرادی باسواد و گاه فاضل و دانشمند بودند. آنان بنا بر پیشینه آموزشی، مهارت های لازم برای خطابه و موعظه کردن در هر مناسبت که پیش می آمد، آموخته بودند. ضمن آن که در سرزمین های اسلامی، نماز جمعه و موعظه بسیار اهمیت دارند و از همین جا نقش وعاظ و مبلغان در جامعه مسلمانان روشن می شود.

مسجد و موعظه در اسلام

در سرزمین های عربی دو کلمه برای مسجد وجود دارد: مسجد یا مکان عبادت و جامع که از ریشه عربی جمع به معنای گردهم آمدن گرفته شده است و مسجد هر دو کارکرد را دارد. زیرا اسلام هم یک دین و هم یک شیوه حکومتی است. در طی سال های اولیه حکومت اسلام و پس از آن در اکثر کشورهای اسلامی، اعلامیه های رسمی در مسجد جامع خوانده می شد و حکام جدید و مقام های عالی رتبه در آنجا به مردم معرفی می شدند و تصمیم های مهم به اطلاع عموم می رسید، مسجد عملاً در کنار دارالاماره یا محل سکونت و کار حاکم ساخته می شد. بنابراین برای هر موضوعی که به جامعه مربوط بود، از جمله بروز یک فاجعه یا قرائت یک اعلامیه مهم، اعضای جامعه مسلمین به مسجد فراخوانده می شدند. همچنین زمانی که اعضای جامعه از پیشامدی ناراضی بودند، آنان در مساجد ازدحام می کردند تا مشکلات خود را به بحث گذارند یا شکایت های خود را مطرح کنند.

منبر همواره در اختیار وعاظ و مبلغان در مساجد قرار دارد. حضرت محمدص و جانشینان آن حضرت در اکثر مناسبت های رسمی از آن استفاده می کردند. در واقع منبر نوعی مسند فرمانروایی بود که فقط حاکم می توانست آن را اشغال کند. بعد از

حضرت محمدص خلیفه یا فرمانروایی که نماینده خلیفه بود، در طی مراسم آغاز به کار رسمی روی منبر می نشست و در آنجا قسم می خورد و اولین سخنرانی (خطبه) خود را به شکل موعظه ارایه می کرد، از آن جایی که حاکم یک رهبر دنیوی و اخروی بود اکثر بیانیتهای صادر شده از بالای منبر، دارای جنبه های دوگانه بودند.

حضرت محمدص در طی موعظه ها از روی منبر، معمولاً جامعه مسلمین را به مشارکت در برخی مسئولیت ها یا لشکرکشی ها امر می کردند به تدریج منبر به محل جلوس علمای دینی تبدیل شد. اما اهمیت پیشین خود به عنوان یک تریبون به دست آورد که از آن تصمیمات، مسائل و سیاست های مهم در برابر مخاطبان عمومی اعلام و به بحث گذاشته می شد و از آن دفاع می کردند.

در دوران قبل از اسلام در شبه جزیره عربستان، خطیب، مردی بود که وظیفه او ستایش و تمجید از شرافت و افتخارات قبیله خود و حقیر شمردن دشمنان با بیانی فصیح بود. شعرا همین کار را با بیانی نظم گونه می کردند. آنان تبلیغات چپانی بودند که می توانستند احساسات افراد قبیله خود را برای جنگ تحریک کنند.

با ظهور اسلام مسئولیت خطیب گسترش یافت، او همچنین یک معلم تعلیم دینی و مبلغ کلام خدا شد. در اصل خلفا و فرمانروایان، خطبا یا مبلغان رسمی بودند. اما بعد مسئولیت ها به اشخاصی محول شد که در موضوع های دینی خبره تر بودند.

مقام وعاظ را نباید با مقام امام جمعه اشتباه گرفت که در روزهای جمعه نماز جمعه را در مساجد برگزار می کند؛ هر چند در اجتماعات کوچک تر هر دو نقش را اغلب یک نفر بر عهده دارد. شرکت در نماز جمعه تفاوتی با نمازهای پنجگانه روزانه ندارد. به استثنای این که قبل از نماز، خطیب دو خطبه عرضه می دارد و جماعت مسلمانان را به اجرای وظایف دینی و اخلاقی خود سفارش می کند و رویدادها و مسایل مهم را از نقطه نظر دینی به بحث می گذارد. هدف این است که هر مؤمن خود را با جامعه مسلمین شناسایی کند و یک احساس همبستگی بین مسلمانان برقرار شود و همه از تصمیم های مهم آگاه شوند یا در مورد امور عمومی بحث کنند. بنابراین از همان آغاز، نماز جمعه اهمیتی فراتر از یک عبادت صرف دینی داشته است.

درگیری روحانیان و حکومت

اسلام هم دین و هم آیین حکومت داری است. اکثر کشورهای مسلمان از این روش پیروی کرده اند. یک نمونه بسیار برجسته امپراتوری عثمانی (۱۲۵۳ تا ۱۹۱۸ میلادی) است که سلطان، خلیفه (جانشین پیامبر) و رئیس حکومت بود. اما در ایران شکاف بین دولت و روحانیان گسترش یافت. در حالی که سلطان در امپراتوری عثمانی می توانست حکومت خود را با ادعای جانشینی حضرت محمد ص و عیت بخشد و تا حدی روحانیان را تحت کنترل خود نگه دارد، پادشاهان ایران از چنین مشروعیت و کثرتی محروم بودند.

با افزایش نفوذ علمای دینی طی حکومت قاجار، منبر نیز به طور روزافزون به تریبونی تبدیل شد که برای تبلیغ و ترویج منافع سیاسی روحانیان و انتقاد از حاکمان و نمایندگان آنان استفاده می شد. برخی اوقات روحانیان به دفاع از منافع عمومی نیز بر می خاستند. برای مثال در ۱۲۷۹ شمسی، واعظی به نام سید محمد یزدی در تریبوز موضوع افزایش قیمت ها و احتکار گندم را به دست زمین داران، بر روی منبر بیان کرد. علیرغم تلاش های حکومت برای جلوگیری از شورش، واعظ در برانگیختن مردم موفق شد. جمعیت عظیمی در مسجد گرد آمدند و به دنبال آن به خانه های محتکران مظنون حمله کردند که باعث خسارت و کشت و کشتار شد.

شاهان قاجار از موقعیت لرزان حکومت خود در رابطه با مشروعیت دینی مطلع بودند و اکثر اوقات سعی می کردند تا عالمان دینی پرنفوذ را خاموش سازند یا در مورد برخی از آنان حقوقی در نظر گیرند تا از حکومت حمایت کنند. رهبران دینی مخالف دولت و طرفدار دولت به یکسان از منبر برای مقاصد خود استفاده می کردند. اوج چنین استفاده ای طی نهضت مشروطیت (۱۲۸۴ تا ۱۲۸۸ شمسی) بود. اما مشروطه خواهان تهران و تبریز در آن سال ها به طور مؤثری از منبر به عنوان ابزاری برای بیداری عموم مردم در مورد سلطه خارجیان و سوءمدیریت حکومت، همچنین تحریک و تشویق مردم به عملیات نظامی طی درگیری های عسکری بین مشروطه خواهان و سلطنت طلبان استفاده کردند.

وعاظ تهران و مشروطیت

درگیری بین روحانیان و حکومت یک عامل مهم در گسترش

نهضت مشروطیت ایران بود. دور رهبر عالی رتبه دینی در تهران این نهضت را آغاز کردند. هنوز کاملاً مشخص نیست که چگونه اصلاح طلبان روشنفکر در این نهضت با روحانیان متحد شدند. اما با یک سلسله وقایع که روحانیان برای حمله به دربار استبدادی به خوبی غنیمت شمردند در افشای رویدادهایی که به امضای مشروطه به دست مظفرالدین شاه منجر شد، مؤثر بود.

در همه این رویدادها، علمای دینی طرفدار مشروطه از منبر استفاده کارآمدی کردند. برای مثال تبعه بلژیک که در استخدام اداره گمرک ایران بودند، به خاطر تبعیض هایی که علیه تجار مسلمان ایران روا می داشتند و فعالیت ها و احساسات طرفدار روس، به شدت مورد تضرع بودند. هنگامی که عکسی از یک بلژیکی در یک مجلس رقص کشف شد که نشان می داد مستر نوز بلژیکی رئیس گمرک، لباس یک روحانی مسلمان را بر تن کرده است، این استهزاگری اسلام و توهین به روحانیان از سوی کفار، بر روی منبر مورد انتقاد شدید قرار گرفت. این حادثه فرصت عالی برای روحانیان ضدحکومت فراهم کرد تا به انتقاد از نفوذ آشکار خارجیان بپردازند و بنابراین احساسات عمومی را در برابر دربار برانگیزانند که نسبت به «منافع اسلام و کشور بی تفاوت است».

علاوه بر این، روس ها در رقابت با انگلیس نفوذ فراوانی در ایران به دست آورده بودند. اکثر روحانیان و روشنفکران به شدت با این مخالف نفوذ بودند. هنگامیکه بانک روس شروع به احداث یک عمارت باشکوه محل گورستانی در تهران کرد، برخی از روحانیان مخالفت کردند و احداث ساختمان از سوی غیرمسلمین، بی احترامی به مردگان تلقی شد. وقتی که سفیر روسیه و دربار ایران به این مخالفت ها توجهی نکردند، در اوایل آذر ۱۲۸۴ یک واعظ در مسجد آن محل، مطابق توافق قبلی علمای دینی سرشناس طرفدار مشروطه، جمعیت به خشم آمده مقابل خود را از روی منبر به حرکت در آورد و آنان را به محل ساختمان بانک هدایت کرد و جمعیت به سرعت عمارت نیمه ساخته را با خاک یکسان کردند.

حادثه دیگر که روحانیان از آن بهره برداری کردند، فلک کردن دو تاجر در اواخر آذر ۱۲۸۴ به دست علاءالدوله حکمران تهران بود. زیرا او تجار را مسئول گران شدن قیمت شکر می دانست. این رفتار مستبدانه حکمران، تجار را به خشم آورد و آنان مغازه ها را بستند و در مسجد نزدیک

نحسین کردند. روز بعد جمعیت فرونی گرفت و علمای دینی معروف نیز آمدند و یکی از وعاظ، مقام های حکومتی را از روی منبر به شدت زیر انتقاد گرفت. اما به دلیل درگیری که بین یکی از علمای دینی طرفدار حکومت و سایر روحانیان پیش آمد، جمعیت پراکنده شدند. ولی رهبران مذهبی مخالف حکومت دست بردار نبودند. آنان در حضرت عبدالعظیم متحصن شدند و برای روزهای زیادی وعاظ از روی منبر به انتقاد از وزیر اعظم و دربار ادامه دادند. چون آنان جمعیت عظیمی را جذب کرده بودند، دولت نگران شد، شاه دخالت کرد و در یک نامه وعده داد که بنا در خواست های آنان موافقت کند.

به اعتقاد تاریخ نگاران نهضت مشروطیت، بهره برداری از این وقایع و حوادث مشابه از سوی رهبران مشروطه و ترغیب به چنین اموری از منبر به قصد نفوذ گذاشتن بر افکار عمومی و بیداری مردم، راه را بر قیام مردمی باز کرد. در عمل به محض این که چنین احساسی ایجاد شد و شدت و قوت گرفت، در اردیبهشت ۱۲۸۵ دور رهبر دینی معروف که

از دو گاه مشروطه خواهان را هدایت می کردند، تصمیم گرفتند اجازه ندهند بر خوردها فروکش کند. برای تأثیر آن، آنان تصمیم گرفتند شخصی را از اردوی خود مأمور سازند تا به طور مرتب از منبر تبلیغ کند. همچنین یکی از آنان شخصاً از یک مسجد در شب های جمعه و دیگری از مسجد متفاوتی در شب های دوشنبه موعظه و تبلیغ می کردند. این قرار و مدارها به وضوح نشان می دهد که مشروطه خواهان اهمیت قابل توجه منبر را به عنوان وسیله ای برای بیداری و بسیج مردم می دانستند.

سلطنت طلبان نیز از اثر بخشی منبر در تحریک عموم مردم، نیز یک مکانیزم تبلیغی علیه دربار آگاه بودند. برای مثال عین الدوله که به دلیل موقعیت مشروطه خواهان در واقعه تحسین شهری سرافکنده شده بود، پافشاری کرد و بالاخره موفق شد که سیدجمال واعظ اصفهانی، یک واعظ محبوب و فصیح طرفدار مشروطه را در طی تعطیلات مذهبی محرم، به خارج از تهران بفرستد. به طوری که در طی روزهایی که احساسات مذهبی به اوج می رسید و اکثر آیه مساجد هجوم می آوردند، باعث هیچ درگیری نشود.

بنابراین هم سلطنت طلبان و هم مشروطه خواهان می دانستند که در مناسبت های خاص، موعظه و تبلیغ از منبر تأثیر بیشتری خواهد داشت. یعنی وعظ کردن به عنوان یک وسیله

ارتباطی «زمان های پر شونده» خاص دارد. وعاظ قادر بودند تا مخاطبان بیشتر و با توجه کامل تری را طی ماه های محرم و رمضان در اختیار بگیرند. روزهای جمعه و تعطیلات مذهبی سراسر سال نیز «زمان های پر شونده» برای چنین ارتباطاتی بودند. از این رو هم مشروطه خواهان و هم سلطنت طلبان با توجه به این واقعیت، راهبردهای خود را ایجاد می کردند. برای مثال فریاد اعتراض از منبر به خاطر توهین به روحانیان از سوی بلژیکی ها در ماه محرم نقش بست و حمله به ساختمان بانک روس ها در آخرین جمعه از ماه رمضان انجام گرفت.

استفاده از مسجد و منبر در ابتدا برای سلطنت طلبان به همان راحتی که در دسترس مشروطه خواهان بود، میسر نبود. مشروطه خواهانی که نماد وحدت بین روحانیان و اصلاح طلبان روشنفکر بودند. سلطنت طلبان مجبور بودند که خشم روحانیان را فرو نشانند و برای آنان امتیازی در نظر گیرند. به این امید که اندک حمایتی از منبر دریافت کنند. همچنان که نهضت مشروطه شکوفا می شد، برخی از روحانیان متوجه شدند که مشروطیت مخالف منافع آنان است و بهتر است که به دربار بپیوندند. بنابراین در طی ماه های محرم، رمضان یا در تعطیلات مذهبی، وعاظ مخالف مشروطه نیز بر بالای منبر رفت و با حمله به مشروطه خواهان، آنان را بابی و بدعت گذار نامید. آنان را سخنرانی های آتشین می کردند. محمد علی شاه با استفاده از منبر، زمانی تلاش همه جانبه ای را برای به حرکت در آوردن اژدها و او باش برای حمله به مجلس بر روی صحنه آورد اما در درگیری های بعدی بین دسته های او باش سلطنت طلب و مشروطه خواهان، گروه دوم تا حد زیادی موفق شد و دربار از روی اجبار عقب نشست.

محمد علی شاه از نفوذ کلام وعاظ در بین مردم اطلاع زیادی داشت. برای مثال در یکی از چند دور مذاکره او با مجلس برای حل اختلافات، او تقاضای تبعید ۸ نفر از سران مشروطه را کرد که سه نفر از آنان واعظ و دو نفر دیگر سردبیر روزنامه بودند. بعد از تخریب مجلس، او یک واعظ مشهور و نیز دو سردبیر روزنامه را دستگیر و به قتل رساندند. هر دوی این وعاظ، به خاطر انتقاد از شاه و دربار در منبر اعتباری کسب کرده بودند که تا تخریب مجلس ادامه یافت. همچنین زمانی که یک مأمور

مخفی شاه در تبریز دستگیر شد، اعتراف کرد که به او دستور داده اند تا چهار رهبر معروف مشروطه خواه تبریز را بکشد که دو نفر از آنان از وعظ محبوب مردم بودند.

وعاظ و مشروطیت تبریز

شهر تبریز پایگاه مشروطه خواهان و مدافعانی بود که پس از به توپ بستن مجلس به دستور محمدعلی شاه به زنده نگهداشتن نهضت مشروطه کمک کردند. نهضت را تعدادی از روشنفکران (که برخی از آنان واعظ بودند) شروع کردند. طبیعتاً آنان از تحولات مشت در تهران آگاه بودند. اما به دلیل علایمی که نشان می داد دربار از اجرای دستور شاه در مورد مشروطه سرپیچی می کند، نارضی بودند.

ترتیبی داده شد تا این مخالفان در تبریز توجه مردم را به اعتراض خود جلب کنند. آنان همچنین مواظب بودند تا به محض این که جمعیت در اطراف کنسولگری جمع شد، یک نفر وضعیت را برای آنان شرح دهد. وعظ طرفدار مشروطه این کار را بر عهده گرفتند. روز بعد کنسولگری انگلیس، مسجد نزدیک آن و حتی خیابان ها مملو از مردمی بود که با دقت به وعظی گوش می دادند که درباره فساد، ظلم و آرزوی حاکمیت قانون صحبت می کردند.

وعظ تبریز نسبت به وعظ تهران در بیداری و برانگیختن مردم موفق تر بودند. یک دلیل اصلی موفقیت آنان این حقیقت بود که نهضت مشروطه تبریز را دوازده مشروطه خواه مخلص و دانا اداره می کردند که در «انجمن سری» جمع می آمدند. این افراد کنترل اوضاع را در دست داشتند و در واقع یک دولت جانشین را در تبریز برپا کردند که با دربار خودکامه در پایتخت به رقابت می پرداخت.

در مورد موفقیت های انجمن سری باید گفت که وعظ طرفدار مشروطه در ارتباط تنگاتنگی با انجمن سری عمل می کردند. برای مثال انجمن سری ترتیبی داد که در روزهای جمعه در سه مسجد تبریز، وعظ مشهور به طور مرتب بر بالای منبر بروند و بحث های مربوط به نهضت مشروطه را بیان کنند. برخی از این مراسم آن چنان مورد علاقه مردم بود که جمعیت حتی سقف مساجد، دالان ها و خیابان های اطراف را پر می کردند.

مشروطه خواهان تبریز دارای روزنامه هایی بودند. اما برای انجمن سری کاملاً روشن بود که برای رسیدن به حمایت توده های مردم، روزنامه

ظرفیت محدودی دارد نفوذ و عاظ طرفدار مشروطه در تبریز را از این واقعه می توان دریافت: یک عالم دینی سرشناس مخالف مشروطه مبلغ کلانی پول برای یک واعظ معروف طرفدار مشروطه فرستاد تا او را به جبهه سلطنت طلبان بکشاند. اما واعظ دوم پول را به خزانه مشروطه خواهان تحویل داد و موضوع را بر بالای منبر افشا کرد. فشار افکار عمومی عالم دینی مخالف مشروطه را مجبور ساخت تا شهر را ترک کند.

یکی از دستاوردهای مهم انجمن سری در تبریز، تشکیل یک ارتش مردمی بود. جزییات موفقیت این ارتش در عقب راندن ۳۰ هزار سرباز شاه که به مدت ده ماه شهر را در محاصره داشتند، شهرت دارد. موضوع جالب در این جا نفوذ وعظ و مبلغین در تشویق مردم به پیوستن به این ارتش و توجیه این مجاهدت غیر عادی است.

وعظ تبریز نه فقط مردم را از رویدادهای جاری پایتخت و سایر بخش های کشور و خارج باخبر می کردند، بلکه وقایع را تفسیر و توده های مردم را بسیج می کردند. آنان تحت هدایت انجمن سری، با مهار مردم وضعیت را در هنگامی که جمعیت ناآرام می شد یا وقتی که اوضاع نیاز به آرامش و بردباری داشت، کنترل می کردند.

احتمالاً بهترین شاهد در اهمیت منبر و مسجد در طی مقاومت تبریز از خاطرات روزانه یک تاجر باز نشسته به دهشت می آید که در طی ۴ ماه جنگ شدید بین سلطنت طلبان و مدافعان شهر نوشته شده است. او درباره واعظانی می نویسد که تقریباً هر روز بیانی بسیار ساده، ولی تهییج کننده وعظ می کردند و شکل حکومت مشروطه را شرح می دادند و از دربار و روحانیانی که از حکومت حمایت می کردند، به انتقاد می پرداختند. او از مردمی یاد می کند که به مساجد می رفتند تا با گوش فرادادن به سخنان وعظ از وقایع و حوادث باخبر شوند. او به رنج ها و شکایاتی اشاره می کند که مردم محاصره شده تبریز به انجمن سری اظهار می کردند و پاسخ هایی که وعظ می دادند تا آنان را آرام سازند و به صبر و شکیبایی دعوت می کردند.

در طی مقاومت تبریز از مسجد و منبر به طور عمده به عنوان یک مکان و یک مسیر برای ارتباطات استفاده می شد. به طوری که مراسم دینی و مذهبی عادی به حداقل ممکن کاهش یافته بود. برای مثال مؤلف از مردمی سخن می گوید که به آنان گفته شده بود در یک مسجد معین جمع شوند تا

نتایج مذاکره با سلطنت طلبان را بشنوند. یا از اعلام یک تصمیم از سوی رهبران مشروطه باخبر شوند. حتی کلمات نقال و سخنرانی مترادف با واعظ یا موعظه کردن استفاده می شود. بدون نقش فعال وعظ در بیداری، تحریک و راهنمایی مردم، مقاومت تبریز به پیروزی نمی رسید.

نتیجه گیری

موعظه و خطابه از منبر مساجد یک حلقه اتصال بین جریان ارتباطات در جوامع «مقابل مدرن» و «مدرن» است. به طوری که در مراحل اولیه نوگرایی، موعظه از منبر به طور بالقوه به یک وسیله ارتباط جمعی تبدیل می شود.

روزنامه های منتشر شده در خارج از کشور تأثیر آگاهی دهنده روی روشنفکران دینی و غیر دینی داشته اند. در فاصله امضای حکم مشروطه تا تخریب مجلس به دست عوامل محمدعلی شاه، اکثر روزنامه های نوظهور از آزادی فراوانی در تهران و سایر شهرها برخوردار شدند. پس از آن، روزنامه های طرفدار مشروطه فقط در تبریز ادامه انتشار دادند. اما با حجم عظیم جمعیت بی سواد، این نهضت ملی نمی توانست فقط به روزنامه ها متکی باشد.

اما ظاهر آبی سواد تنها مانع استفاده از مطبوعات به عنوان یک وسیله ارتباط جمعی طی نهضت مشروطیت نبوده است. یک نقل قول جالب از احمد کسروی تاریخ نگار معروف نهضت مشروطیت این است که مطالب اکثر روزنامه های دوره نهضت مشروطه با نیازها و احساسات جامعه ارتباطی نداشت و احتمالاً توان این کار را نداشتند. اکثر روزنامه های منتشر شده به جای این که به مسائل روزمره مردم بپردازند، اشعار و موضوع های فلسفی و مذهبی را منتشر می کردند و زبان و شیوه نگارش آنان بر روی مردم عادی به سختی قابل فهم بود. بارش صنعت چاپ، امکان توسعه مطبوعات و مطالب مورد علاقه مردم عادی فراهم شد. اما اکثر سردبیران روزنامه ها که عمدتاً به طبقات بالای جامعه بالغات ادبی خاص خود تعلق داشتند، نمی توانستند این کار را به آسانی اجرا کنند.

البته استثناهای مهمی هم به چشم می خوردند. مثلاً روزنامه صوراسرافیل با مطالبی که دهخدا در آن می نوشت. اما این تلاش ها برای حفظ نهضتی به گستردگی انقلاب مشروطیت به هیچ وجه کفایت نمی کرد.

در واقع اکثر مطالب منتشر شده در روزنامه های ایران شباهت اندکی با همتهای اروپایی خود در آن زمان داشت. اول آن که این مطالب برای تعداد بسیار اندکی از طبقات بالای جامعه یعنی نخبان باسواد نوشته می شد. بنابراین میانگین تیراژ روزنامه در تهران فقط ۲ تا ۳ هزار نسخه بود. دوم آن که این روزنامه ها معمولاً به صورت منظم و روزانه منتشر نمی شدند. برخی از آن ها هفته ای یک بار منتشر می شدند. روزنامه هایی که در خارج منتشر می شدند، طبیعتاً نمی توانستند تا هفته ها بعد از انتشار به دست خوانندگان داخل ایران برسند. سوم آن که موضوع های منتشر شده در اکثر موارد به روز نبودند. آن ها در واقع اعلامیه ها و جزوات سیاسی بودند که دموکراسی و دستاوردهای علمی اروپا را به بحث می گذاشتند. در حالی که نسبت به شرایط ایران غافل بودند.

بنابر این روزنامه به عنوان یک محصول اروپایی به ایران آمد. اما اکثر کسانی که در ایران روزنامه منتشر می کردند، به همان شیوه ای که در خاستگاه فرهنگی اولیه آن استفاده می شد، از روزنامه استفاده نکردند. از سوی دیگر اهدافی که می شد از طریق روزنامه در فرانسه یا انگلیس طی یک قیام ملی مانند نهضت مشروطه تأمین شود، در ایران می توانست به آسانی با وعظ و مبلغان از منبر مساجد تأمین شود که به عنوان یک نظام سازمان یافته و مشخص ارتباطات برای قرن ها وجود داشته است.

البته نباید از یاد برد که درگیری دیرینه بین روحانیان و دربار، به نحوی که روحانیان آزادی خواه در اغلب اوقات تنها ملجأ مردم بی پناه در برابر حکومت خودکامه بودند، در استقبال عمومی و میزان استفاده از این وسیله ارتباطی به شدت مؤثر بوده است.